

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# احکام عمومی کسب و کار

مبتنی بر

## احکام تجارت از دیدگاه اسلام

قابل استفاده برای آموزش در وزارت آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها برای  
کلیه رشته‌های تحصیلی، بازرگانان و کتابخانه‌های مساجد

مؤلفان:

مهدی طغیانی

(عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان)

امین مرادی باصیری



طراح و مشاور:

محمدتقی کاشانی‌نیا و حجت‌الاسلام دکتر اسماعیل داراب کلابی

(اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)



نشرطلایی

## احکام عمومی کسب و کار



مدیر طرح: محمدتقی کاشانی نیا  
مشاور طرح: حجت‌الاسلام دکتر اسماعیل داراب کلایی  
نویسنده: مهدی طغیانی و امین مرادی باصیری  
صفحه‌آرا: سارا بخشی  
طراح جلد: علیرضا پوراکیبری



لیتوگرافی: دریا  
چاپ: پنج رنگ  
صحافی: رئوف  
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه  
چاپ اول: ۱۳۹۴  
شاپک: ۰ - ۶۹ - ۶۲۳۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ ریال  
تلفن: ۰۶۴۱۵۲۳۳۳ ، ۰۶۴۸۳۰۶۶ - ۰۲۱  
تلفن همراه: ۰۹۱۲۶۰۱۶۴۱۹  
www.talaee.ir  
nashre.talaee@gmail.com

همه حقوق چاپ و نشر کتاب «احکام عمومی کسب و کار» برای مؤسسه فرهنگی بهج القرآن محفوظ است. هرگونه بهره‌برداری از این اثر به اجازه کتبی ناشر نیاز دارد.

سرشناسه	:طغیانی، مهدی، ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآور	:احکام عمومی کسب و کار مبتنی بر احکام تجارت از دیدگاه اسلام (قابل استفاده برای آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها ...)/ مؤلفان مهدی طغیانی، امین مرادی باصیری. تهران: نشر طلایی، ۱۳۹۴.
مشخصات نشر	: ۲۴۸ ص: ۱۶/۵ × ۲۴ س.م.
مشخصات ظاهری	: ۰۰ - ۶۹ - ۶۲۲۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸ - ۱۲۰۰۰۰ ریال
شابک	:فیبا
وضعیت فهرست نویسی	:کتابنامه: ص. ۲۴۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	:کسب و کار (فقه)
موضوع	:معاملات (فقه)
موضوع	:کسب و کار -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
شناسه افزوده	:مرادی باصیری، امین، ۱۳۶۸ -
رده بندی کنگره	:BP۱۹۰/۱/الف۷ط۳ ۱۳۹۴:
رده بندی دیویی	:۳۹۷/۳۷۲:
شماره کتابشناسی ملی	:۳۹۲۱۵۲۲:

## فهرست

### پیش‌گفتار ..... ۱۰

### فصل اول: مالکیت ..... ۱۱

چیستی مالکیت ۱۴ / منشأ مالکیت اعتباری ۱۴ / مالکیت حقیقی خداوند ۱۵ / مالکیت خصوصی ۱۶ / مالکیت عمومی ۱۸ / مالکیت دولتی ۱۹

### فصل دوم: بیع ..... ۱۲

گفتار اول: چیستی بیع و مسائل کلی آن ۲۲ / مسائل کلی بیع ۲۳ / مسئله اول: بیع، عقد است. ۲۳ / مسئله دوم: بیع، عقدی لازم است. ۲۴ / مسئله سوم: مشروط نمودن اصل بیع به چیز دیگر ۲۵ / مسئله چهارم: تصرف در صورت باطل بودن عقد بیع ۲۶ / گفتار دوم: شرایط فروشنده و خریدار (متعاقبین) ۲۷ / گفتار سوم: کالاهایی که نمی‌توان خرید و فروش کرد ۲۹ / شرایط و مسائل کالای مورد معامله ۲۹ / مسئله اول: کالاهایی که کسی مالک آن نیست ۲۹ / مسئله دوم: کالاهایی که فروشنده قادر به تحویل آن به مشتری نیست ۳۰ / مسئله سوم: کالاهای وقفی ۳۱ / مسئله چهارم: معلوم نبودن مقدار، جنس و وصف کالا ۳۲ / گفتار چهارم: خرید و فروش‌های حرام ۳۳ / مورد اول: خرید و فروشی که به ستم کردن ظالم کمک کند ۳۳ / مورد دوم: خرید و فروش همراه با غش خفی ۳۴ / مورد سوم: خرید و فروش کالاهایی که منافع معمولی آن‌ها حرام است ۳۶ / مورد چهارم: احتکار طعام ضروری مردم ۳۷ / گفتار پنجم: آداب خرید و فروش (مستحبات و مکروهات) ۴۱ / آداب خرید و فروش ۴۱ / مورد اول: لزوم آموختن احکام ۴۱ / مورد دوم: رعایت انصاف ۴۲ / مورد سوم: فسخ معامله شخص پیشیمان ۴۴ / مورد چهارم: آراسته نکردن کالا برای جلب مشتری ۴۶ / مورد پنجم: بیان عیب کالا ۴۷ / مورد ششم: قسم نخوردن برای معامله ۴۸ / مورد هفتم: آسان‌گرفتن در خرید و فروش ۵۰ / مورد هشتم: کمتر گرفتن و بیشتر دادن ۵۲ / مورد نهم: تعریف نکردن از کالای خود و نیز بدگویی نکردن از کالای دیگران ۵۴ / مورد دهم: معامله کردن با اشخاصی که منشأ خیر هستند ۵۶ / مورد یازدهم: وارد نشدن در معامله دیگری ۵۸ / گفتار ششم: پیرامون بیع صرف (خرید و فروش طلا، نقره و پول) ۶۰ / چیستی بیع صرف ۶۰ / مسائل بیع صرف ۶۱ / مسئله اول: ربا در خرید و فروش طلا و نقره ۶۱ / مسئله دوم: تحویل گرفتن طلا و نقره هنگام خرید و فروش ۶۲ / گفتار هفتم: پیرامون بیع سلف (سلم) ۶۳ / چیستی بیع سلف ۶۳ / شرایط بیع سلف ۶۴ / مسائل بیع سلف ۶۷ / مسئله اول: ناتوانی فروشنده برای تحویل کالا ۶۷ / مسئله دوم: فروش کالا قبل از سررسید تحویل ۶۷ / مسئله سوم: تعیین محل تحویل کالا ۶۸ / مسئله چهارم: مطابقت نکردن کالای تحویل داده شده با کالای خریداری شده ۶۸ / گفتار هشتم: پیرامون بیع نقد و نسیه ۶۹ / چیستی بیع نقد و نسیه ۶۹ / مسائل بیع نسیه ۷۱ / مسئله اول: خرید کالایی که به‌صورت نسیه فروخته شده، قبل از سررسید ۷۱ / مسئله دوم: تعیین مدت در بیع نسیه ۷۱ / مسئله سوم: در تنگنا قرار دادن بدهکار ۷۲ / مسئله چهارم: افزایش بهای کالا در مقابل تمدید مهلت پرداخت بدهی ۷۳ / مسئله پنجم: کاهش بهای کالا در مقابل نقدی گرفتن آن ۷۳ / مسئله ششم: اجتناب از معامله نسیه ۷۳ / گفتار نهم: پیرامون ربای معاملی ۷۴ / شرایط تحقق ربای معاملی ۷۴ / مسائل ربای معاملی ۷۶ / مسئله اول: افرادی که بین آن‌ها ربا وجود ندارد ۷۶ / مسئله چهارم: ربای معاملی مختص کالاهای کمیّت‌پذیر ۷۸

### فصل سوم: خیارات ..... ۱۳

مهم‌ترین موارد خیارات ۸۴ / مورد اول: خیار عیب ۸۴ / مورد دوم: خیار مجلس ۸۵ / مورد سوم: خیار حیوان ۸۶ / مسئله اول: تصرف خریدار در حیوان در مدت خیار ۸۶ / مسئله دوم: تلف شدن حیوان در مدت خیار ۸۷



مسئله سوم: معیوب شدن حیوان در مدت خیار ۸۷/ مورد چهارم: خیار تأخیر پرداخت ثمن ۸۸/ مسئله اول: کالای فروخته شده، از جمله کالاهایی باشد که کمتر از سه روز فاسد می‌شود ۸۸/ مسئله دوم: تلف شدن کالا، قبل از تحویل دادن به خریدار ۸۹/ مسئله اول: درآمد و منافع حاصل از کالای فروخته شده ۹۰/ مسئله دوم: تلف شدن کالای فروخته شده در مدت تعیین شده برای خیار شرط ۹۰/ مورد ششم: خیار غبن ۹۱/ مورد هفتم: خیار رؤیت ۹۲/ موارد ساقط شدن خیار رؤیت: ۹۲

## فصل چهارم: شفعه (حق شراکت) ..... ۹۵

چیستی حق شفعه ۹۶/ شرایط تحقق حق شفعه ۹۶/ مشاع بودن سهم انتقالی ۹۷/ انتقال سهم انتقالی از طریق بیع باشد ۹۷/ تعداد شرکا بیش از دو نفر نباشد ۹۷/ چنانچه مشتری، مسلمان است: شفیع کافر نباشد ۹۸/ شفیع قادر به پرداخت بهایی که مشتری داده، باشد ۹۸/ مسائل حق شفعه ۹۸/ مسئله اول: سفیه، دیوانه یا کودک بودن شفیع ۹۸/ مسئله دوم: تبعیض قائل شدن شفیع در گرفتن حق شفعه ۹۹/ مسئله سوم: تأخیر شفیع در اعمال حق شفعه ۹۹/ مسئله چهارم: اسقاط حق شفعه ۹۹

## فصل پنجم: اجاره ..... ۱۰۱

اقسام اجاره ۱۰۲/ شرایط اجاره کننده و اجاره دهنده ۱۰۳/ شرایط مورد اجاره (عین مستأجره) ۱۰۴/ شرایط منفعت مورد اجاره ۱۰۵/ شرط اجاره بها (اجرت) ۱۰۸/ مسائل اجاره ۱۰۸/ مسئله اول: استفاده نکردن اجاره کننده از منفعت مورد اجاره ۱۰۹/ مسئله دوم: فروش کالای اجاره داده شده ۱۱۰/ مسئله سوم: مرگ موجر یا مستأجر ۱۱۰/ مسئله چهارم: سرقلی ۱۱۱/ مسئله پنجم: اجاره به شرط تملیک ۱۱۱/ مسئله ششم: اجاره مجدد کالای اجاره داده شده ۱۱۲/ مسئله هفتم: تلف شدن کالای اجاره داده شده ۱۱۲

## فصل ششم: مضاربه ..... ۱۱۵

مضاربه چیست؟ ۱۱۶/ شرایط صاحب سرمایه و عامل ۱۱۶/ شرایط سرمایه ۱۱۷/ شرایط سود مضاربه ۱۱۸/ شرایط عمل ۱۱۹/ فسخ مضاربه ۱۱۹/ مسائل مضاربه ۱۲۱/ مسئله اول: تلف شدن سرمایه ۱۲۱/ مسئله دوم: تخلف عامل از شروط صاحب سرمایه ۱۲۱/ مسئله سوم: مرگ عامل یا صاحب سرمایه ۱۲۱

## فصل هفتم: جعاله ..... ۱۲۳

جعاله چیست؟ ۱۲۴/ تفاوت جعاله با اجاره اشخاص ۱۲۴/ ارکان جعاله ۱۲۵/ شرایط عمل جعاله ۱۲۵/ شرایط جاعل و عامل ۱۲۶/ شرایط جُعَل (اجرت و پاداش عمل) ۱۲۷/ فسخ جعاله ۱۲۷/ مسائل جعاله ۱۲۸/ مسئله اول: تعیین شخص خاصی به‌عنوان عامل و انجام کار توسط دیگری ۱۲۸/ مسئله دوم: مال گم‌شده جاعل، نزد شخص موجود باشد. ۱۲۸

## فصل هشتم: شرکت ..... ۱۲۹

چیستی شرکت ۱۳۰/ شرکت عقدی ۱۳۲/ شرکت‌های باطل ۱۳۲/ مسائل شرکت ۱۳۴/ مسئله اول: تصرف در مال اشتراکی ۱۳۴/ مسئله دوم: همکاری چند نفر در انجام عمل معین ۱۳۴/ مسئله سوم: ممزوج شدن سرمایه‌ها ۱۳۴/ مسئله چهارم: تلف شدن سرمایه ۱۳۴/ مسئله پنجم: فسخ شرکت ۱۳۵/ مسئله ششم: تعیین مدت برای شرکت ۱۳۵/ مسئله هفتم: نحوه تقسیم سود و زیان ۱۳۵

## فصل نهم: ودیعه ..... ۱۳۷

چیستی ودیعه ۱۳۸/ شرایط ودیعه‌گذار (مودع) و ودیعه‌پذیر (مستودع) ۱۳۹/ فسخ و انحلال ودیعه ۱۴۰

مسائل ودیعه ۱۴۱ / مسئله اول: وجوب حفظ امانت ۱۴۱ / مسئله دوم: انتخاب محل خاصی برای نگهداری امانت توسط ودیعه‌گذار ۱۴۲ / مسئله سوم: تلف شدن ودیعه ۱۴۲ / مسئله چهارم: به امانت گذاشتن مال دزدی ۱۴۲ / مسئله پنجم: انکار گرفتن ودیعه از طرف ودیعه‌پذیر ۱۴۳ / مسئله ششم: وظیفه ودیعه‌پذیر در مقابل خطر تلف شدن امانت ۱۴۳ / مسئله هفتم: مطالبه ودیعه توسط صاحب مال ۱۴۴

### فصل دهم: عاریه ..... ۱۴۵

چیستی عاریه ۱۴۶ / شرایط عاریه ۱۴۷ / انحلال عاریه ۱۴۸ / مسائل عاریه ۱۴۹ / مسئله اول: تلف شدن کالای عاریه‌ای ۱۴۹ / مسئله دوم: شرط ضمان بر عاریه‌گیرنده ۱۴۹ / مسئله سوم: میزان استفاده از منفعت کالای عاریه‌ای ۱۵۱ / مسئله چهارم: عاریه گرفتن مال غصبی ۱۵۱ / مسئله پنجم: مسئول نبودن عاریه‌دهنده بر خسارت‌های احتمالی وارد شده بر عاریه‌گیرنده ۱۵۲ / مسئله ششم: مخارج نگهداری مال عاریه ۱۵۲ / مسئله هفتم: اختلاف عاریه‌دهنده و عاریه‌گیرنده ۱۵۲ / مسئله هشتم: عاریه یا اجاره دادن کالای عاریه‌ای به شخص دیگر ۱۵۲

### فصل یازدهم: رهن ..... ۱۵۵

چیستی عقد رهن ۱۵۶ / شرایط رهن‌دهنده و گیرنده رهن ۱۵۷ / شرایط مال رهن داده شده ۱۵۷ / یک شرط دیگر: ۱۵۸ / انحلال (فک) عقد رهن ۱۵۹ / مسائل عقد رهن ۱۵۹ / مسئله اول: تصرف گیرنده رهن در مال رهن داده شده ۱۵۹ / مسئله دوم: تصرف دهنده رهن در مال رهن داده شده ۱۶۳ / مسئله سوم: قرار دادن کالایی که به صورت نسیه خریداری شده است ۱۶۳ / مسئله چهارم: وثیقه گذاشتن شخص ثالث برای بدهکار ۱۶۳ / مسئله پنجم: وثیقه گذاشتن مال عاریه‌ای ۱۶۴ / مسئله ششم: زیادتی پدید آمده در مال رهن داده شده ۱۶۴ / مسئله هفتم: فروش مال رهن داده شده ۱۶۴ / مسئله هشتم: تلف شدن مال رهن داده شده ۱۶۵ / مسئله نهم: مرگ رهن‌دهنده یا گیرنده رهن ۱۶۵

### فصل دوازدهم: عطایا و هبه ..... ۱۶۷

چیستی هبه ۱۶۸ / شرایط هبه ۱۶۸ / اقسام هبه ۱۶۹ / هبه لازم و جایز ۱۶۹ / مسائل هبه ۱۷۱ / مسئله اول: مرگ هبه دهنده یا دریافت کننده هبه ۱۷۱ / مسئله دوم: هبه دادن یک مال به چند نفر ۱۷۲ / مسئله سوم: شرط گذاشتن هبه‌دهنده ۱۷۲ / مسئله چهارم: معلوم نکردن پاداش هبه ۱۷۲ / مسئله پنجم: زیادتی ایجاد شده در مال هبه داده شده ۱۷۲ / مسئله ششم: فرق گذاشتن فرد در بخشیدن اموال به فرزندان ۱۷۳

### فصل سیزدهم: وکالت ..... ۱۷۵

چیستی عقد وکالت ۱۷۶ / شرایط صحت وکالت ۱۷۶ / وکالت در توکیل ۱۷۷ / مسئله تعدد وکلا ۱۷۸ / اقسام وکالت ۱۷۹ / انحلال و فسخ وکالت ۱۸۰ / مسائل وکالت ۱۸۱ / مسئله اول: تلف شدن مالی که در اختیار وکیل گذاشته شده ۱۸۱ / مسئله دوم: تعیین اجرت وکالت ۱۸۱ / مسئله سوم: اقرار وکیل علیه موکل ۱۸۱ / مسئله چهارم: اختلاف وکیل و موکل ۱۸۲

### فصل چهاردهم: ضمان ..... ۱۸۳

چیستی عقد ضمان ۱۸۴ / شرایط صحت عقد ضمان ۱۸۵ / مسائل عقد ضمان ۱۸۶ / مسئله اول: مدت دار کردن ضمانت ۱۸۶ / مسئله دوم: فسخ عقد ضمان و تنگ دست بودن ضامن ۱۸۷ / مسئله سوم: بدهکار شدن ضامن و بری الذمه شدن بدهکار ۱۸۷ / مسئله چهارم: مطالبه ضامن از بدهکار ۱۸۸ / مسئله پنجم: ضمانت بدهی مورد ادعا و اثبات نشده ۱۸۸ / مسئله ششم: ضمانت بدهی ایجاد شده از طریق غیرصحیح ۱۸۹ / مسئله هفتم: ضمانت بدهی‌ای که در مقابل آن، مالی رهن گذاشته شده ۱۸۹ / مسئله نهم: ضامن شدن اشتراکی چند نفر برای یک بدهی ۱۹۰

**فصل پانزدهم: حواله**..... ۱۹۱  
 چیستی عقد حواله ۱۹۲/ شرایط صحت عقد حواله ۱۹۳/ انحلال و فسخ حواله ۱۹۴/ نقش پرداخت کننده حواله (محال علیه) در عقد حواله ۱۹۵/ پول شویی ۱۹۷

**فصل شانزدهم: کفالت**..... ۱۹۹  
 عقد کفالت ۲۰۰/ شرایط صحت کفالت ۲۰۱/ انحلال و فسخ کفالت ۲۰۱/ مسائل عقد کفالت ۲۰۲/ مسئله اول: کراهت کفالت ۲۰۳/ مسئله دوم: درخواست مهلت کفیل برای کفالت ۲۰۳/ مسئله سوم: مطالبه کفیل از مکفول ۲۰۳

**فصل هفدهم: صلح**..... ۲۰۵  
 عقد صلح چیست؟ ۲۰۶/ شرایط انعقاد قرارداد صلح ۲۰۶/ انحلال عقد صلح ۲۰۷/ مسائل عقد صلح ۲۰۸/ مسئله اول: صلح همراه با جهل ۲۰۸/ مسئله دوم: صلح بدهی در مقابل بدهی ۲۰۸/ مسئله سوم: صلح به مقداری متفاوت از بدهی ۲۰۹/ مسئله چهارم: توصیه به برقراری صلح میان مؤمنین ۲۱۰

**فصل هیجدهم: غضب**..... ۲۱۳  
 چیستی غضب ۲۱۴/ مسائل غضب ۲۱۵/ مسئله اول: حکم تکلیفی و وضعی غضب ۲۱۵/ مسئله دوم: جاری نشدن ضمان دید در حقوق ۲۱۶/ مسئله سوم: غضب اشخاص ۲۱۷/ مسئله چهارم: شریک بودن در غضب ۲۱۷/ مسئله پنجم: غضب اموال عمومی ۲۱۸/ مسئله ششم: غضب موقوفات عام ۲۱۸/ مسئله هفتم: ضمان در عقد فاسد ۲۱۹/ مسئله هفتم: وجوب برگرداندن اموال غضب شده ۲۱۹/ مسئله نهم: پایین آمدن قیمت کالای غضب شده ۲۲۰/ مسئله دهم: افزایش ارزش کالای غضب شده ۲۲۱/ مسئله یازدهم: منافع مال غضب شده ۲۲۲

**فصل نوزدهم: حجر**..... ۲۲۵  
 چیستی حجر و اسباب آن ۲۲۶/ مورد اول: سفیه بودن شخص ۲۲۶/ مسئله اول: تصرف در ذمه سفیه ۲۲۶/ مسئله دوم: تصرف دیگران در اموال سفیه ۲۲۶/ مسئله سوم: موارد صحت معامله سفیه ۲۲۷/ مسئله چهارم: تلف شدن کالای خریداری شده یا بهای دریافت شده توسط سفیه ۲۲۷/ مسئله پنجم: تلف شدن امانت در دستان سفیه ۲۲۷/ مورد دوم: به بلوغ نرسیدن شخص (صغیر) ۲۲۸/ مسئله اول: تصرف در ذمه صغیر ۲۲۸/ مسئله دوم: تصرف دیگران در اموال صغیر ۲۲۸/ مورد سوم: دیوانه بودن شخص ۲۲۹/ مورد چهارم: مفلس (ورشکسته) بودن شخص ۲۲۹/ مورد پنجم: مریضی که بیماری اش منجر به مرگش گردد ۲۳۰

**فصل بیستم: دین و قرض**..... ۲۳۳  
 گفتار اول: پیرامون دین ۲۳۴/ مسائل دین ۲۳۶/ مسئله اول: پرداخت بدهی دیگران ۲۳۶/ مسئله دوم: افزایش مهلت پرداخت بدهی در مقابل افزایش مقدار بدهی ۲۳۶/ مسئله سوم: حکم نزول ۲۳۷/ مسئله چهارم: امروز و فردا کردن پرداخت بدهی ۲۳۷/ مسئله پنجم: مهلت دادن به بدهکار تنگدست ۲۳۸/ مسئله ششم: فروش کالاهای ضروری زندگی جهت پرداخت بدهی ۲۳۸/ گفتار دوم: پیرامون قرض ۲۳۹/ شرایط صحت قرض ۲۴۱/ مسائل عقد قرض ۲۴۲/ مسئله اول: ادای قرض ۲۴۲/ مسئله دوم: عقد بودن قرض ۲۴۳/ مسئله سوم: لازم بودن عقد قرض ۲۴۳/ مسئله پنجم: ربای قرضی ۲۴۳

**کتابنامه**..... ۲۴۶

## سخنی با خوانندگان گرامی

مصرف صحیح نعمت‌های الهی، عبادت است و اسراف در آن‌ها حرام. مصرف، هدف تولید کالا و خدمات است و تولید عبارت از ایجاد فایده و یا فواید جدید در هر یک از مواهب و یا نعمت‌های الهی، به منظور رفع نیازهای جسمی و روحی انسان‌ها با استفاده از توانایی‌های فکری و جسمی آنان است.

زمانی تولید کالا و خدمات و همچنین نیازهای انسان محدود بود و هر تولیدکننده، مصرف‌کننده کالا و خدماتی بود که خود و یا اطرافیانش تولید و ارائه می‌کرد. توسعه و ارتقاء سطح نیروی فکری و افزایش توانایی‌های جسمی انسان، با بهره‌گیری از ابزارهایی که به تدریج در اختیار او قرار می‌گرفت، باعث شناخت بیشتر امکانات موجود در جهان از یک سو و نیازهای معقول انسان‌ها و چگونگی پاسخ‌دهی به این نیازها از طریق تولید کالا و خدمات نوین از سوی دیگر گردید و همین افزایش و توسعه، مسائلی چون تهاتر، تعامل و... را به وجود آورد.

وجود مراکز تولید انبوه کالا و خدمات در نقاط محدود در شهرها و کشورهای مختلف و پراکندگی و گستردگی مصرف‌کنندگان تولیدات یاد شده در سراسر دنیا، عوامل توزیع کالا و خدمات را با عناوینی چون عمده‌فروش، خرده‌فروش و واسطه، در مکان‌هایی به نام بازار در سطح محله‌ها، مناطق، شهرها و کشورها به وجود آورد و تهاتر و تعامل را به معاملات بزرگ و کوچک تبدیل کرد. امروزه این معاملات با به کارگیری ابزارهای مختلف مانند پول، چک، سفته، برات و بالاخره سیستم‌های الکترونیکی، با استفاده از سازمان‌های گوناگون مانند بانک‌ها، بازارهای بورس و سایر مؤسسه‌های پولی و مالی و صورت می‌پذیرند.

در عصر حاضر، به‌ویژه در کشور ایران، تولیدکنندگان قوه محرکه شبکه توزیع (بازرگانان و واسطه‌ها) به حساب می‌آیند و همواره تولیداتشان را به روش‌های مختلف به مصرف‌کنندگان کالاهای خود تحمیل می‌کنند. در واقع، آن‌ها به روش‌های گوناگون در مصرف‌کنندگان کالای خود نیاز ایجاد می‌کنند و ایجاد این نیاز در مردم مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت در ابعاد مختلف مالی و زمانی برای تولیدکنندگان کالا و خدمات است. حال اگر ترتیبی داده شود که قبلاً نیازهای واقعی مردم به کالاها و خدمات شناسایی شود و سپس اقدام به تولید آن‌ها گردد، حجم و نوع تولیدات چند برابر می‌شود و در مقابل، هزینه تبلیغات و قیمت کالاها و خدمات‌ها به حداقل می‌رسد.



با یک بررسی مقدماتی متوجه می‌شویم که با توجه به پراکندگی توزیع کنندگان کالا و خدمات (بازرگانان عمده‌فروش و خرده‌فروش) در سراسر دنیا، حضور آن‌ها در متن جامعه و آشنا بودنشان با نیازهای مردم محله یا منطقه خود، این گروه می‌تواند تولیدکنندگان کالاها و خدمات مختلف را در کار خود هدایت کنند و به آن‌ها در مورد مصرف تولیداتشان در نقاط مختلف دنیا اطمینان خاطر بدهند.

اجرای هر چه بهتر فعالیت‌های یاد شده از تولید تا مصرف کالاها و خدمات، آموزش‌هایی را می‌طلبد و لازم است عواملان این فعالیت‌ها، برای اجرای هر چه بهتر فرایندهای یاد شده این آموزش‌ها را دریافت کنند.

این آموزش‌ها به دو گروه عمومی برای کلیه فعالیت‌های یاد شده و تخصصی، در سطوح مختلف و برای هر یک از فعالیت‌های ذکر شده تقسیم می‌شوند.

این کتاب و ضمائیم آن شامل فتاوای مراجع عظام برای هر فصل، در دو جلد، با عناوین «احکام تجارت از دیدگاه اسلام» و «احکام عمومی کسب و کار مبتنی بر احکام تجارت از دیدگاه اسلام» به یاری همکاران فرزانه و فرهیخته در حوزه‌های علمیه و دانشگاه شهید بهشتی، با بیانی ساده برای گروه‌های آموزشی حقوق، بازرگانی، بانکداری، اقتصاد، حسابداری در دانشگاه‌ها و تجار و کسبه، از سطوح عمده‌فروشی تا خرده‌فروشی با هدف تدریس به صورت کمک درسی و یا دو واحد درسی در دانشکده‌های حقوق، بازرگانی و اقتصاد و همچنین گرداندگان و یا عواملان یاد شده در بخش خصوصی تدوین شده و ادامه آن برای تدریس در سطوح تخصصی بالاتر در دست تدوین است.

هرگونه راهنمایی همکاران محترم دانشگاهی، حوزوی و بازرگانان محترم در تکمیل محتوا و نحوه ارائه مطالب کتاب برای استفاده در چاپ‌های بعدی مؤثر و مغتنم و مرضی خداوند متعال و مشوق نگارندگان در انجام این وظیفه مهم خواهد بود. عواید نشر این کتاب، صرف هزینه‌های تغییر محتوای دروس در آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی خواهد شد؛ ان‌شاء... .

و من ... التوفیق

محمد تقی کاشانی‌نیا

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

و مسئول مؤسسه فرهنگی نهج القرآن

## پیش‌گفتار

در روایات ائمه معصومین - علیهم‌السلام - فعالیت اقتصادی به‌ویژه کسب و کار و تجارت بسیار توصیه و بر آن تأکید شده است؛ چنان‌که امام صادق - علیه‌السلام - در حدیثی از امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - چنین نقل می‌کنند که فرمود:

«اتَّجَرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنِّي قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ الرَّزْقُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي التِّجَارَةِ وَوَاحِدَةٌ فِي غَيْرِهَا» (کافی، ج: ۵، ۳۱۹)

به تجارت بپرداز تا برکات الهی شامل حال شما گردد؛ پس همانا از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود روزی ده جزء دارد که نه جزء آن در تجارت و یکی از اجزاء در غیر آن است.

و یا در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: التِّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ» (کافی، ج: ۵، ۱۴۸)

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَرَكَ التِّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعَقْلُ» (کافی، ج: ۵، ۱۴۸)

تجارت و کسب و کار عقل را بیفزاید و ترک آن موجب کاهش عقل و خرد آدمی می‌گردد. با این حال، برخی روایات کسب و کار و تجارت را زمانی می‌ستایند که در چارچوب شرع و بر مبنای حلال انجام گیرد؛ چنان‌که از امام کاظم - علیه‌السلام - نقل است که فرمود:

«مَنْ طَلَبَ هَذَا الرَّزْقَ مِنْ حِلِّهِ لِيَعُودَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کافی، ج: ۵، ۹۳)

این روایت و مشابه آن اجر کسب و کاری را که از حلال باشد، در حد منزلت مجاهد در راه خدا بالا برده است و چه تشویق و ترغیبی از این بالاتر و بهتر که در عین فعالیت اقتصادی، ثواب و مزد جهاد در راه خدا نیز نصیب گردد. البته چنانچه شخصی بر سبیل حلال کسب و کار نکند و روزی خویش را نجوید و راه حرام بپیماید، به همان اندازه از روزی مقدرش کسر می‌گردد.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْخَلْقَ وَ خَلَقَ مَعَهُمْ أَرْزَاقَهُمْ حَلَالًا طَيِّبًا فَمَنْ تَنَاوَلَ شَيْئًا مِنْهَا حَرَامًا قُصَّ بِهِ مِنْ ذَلِكَ الْحَلَالِ» (کافی، ج: ۵، ۸۱)

پیش‌نیاز و شرط لازم برای حلال و شرعی بودن کسب و کار و تجارت نیز آگاهی از احکام فعالیت اقتصادی است. چنان‌که امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - روزها در بازار کوفه آن را به بازاریان گوشزد می‌فرمود:

«يَا مَعْشَرَ التَّجَّارِ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ» (کافی، ج: ۵، ۱۵۰)

بنابراین، اهل بازار که به امر کسب و تجارت اشتغال دارند باید با احکام و آداب

تجارت و کسب آشنایی بیشتر و دقیق‌تری پیدا کنند تا از اجر و ثواب عمل در چارچوب شرع بهره‌مند گردند و در حرام نیفتند و اموالشان از حرام سالم بماند. در رساله‌های مراجع تقلید نیز بر این مهم تأکید شده که هر کس می‌خواهد به تجارت و سایر انواع کسب و کار دست بزند نیز واجب است که احکام و مسائل متعلق به آن کار را فرا بگیرد و اگر شخصی در حلال یا حرام بودن معامله‌ای شک کند، باید از آن بپرهیزد و قبل از انجام دادن معامله، حکم فقهی آن را فرا بگیرد. تاکنون کتاب‌های بسیاری در حوزه فقه اقتصادی اسلام تألیف شده ولی به دلیل ثقیل بودن زبان آن‌ها، ارائه مباحث تنها برای پژوهشگران حوزه مطالعات دینی مفید بوده است و عموم از مطالعه آن‌ها بی‌بهره مانده‌اند. چنان‌که بازاریان و کسبه برای فهم احکام کسب سال‌ها در دروس حوزوی شرکت می‌جستند که بر مبنای کتاب گران‌سنگ «مکاسب محرّمه» اثر مرحوم شیخ انصاری ارائه می‌شد؛ در حالی‌که در این زمان امکان بهره‌مندی از چنین دروسی برای نسل جدید کسبه به‌دلیل اشتغالات فراوان و نبود امکان یادگیری مقدماتی چون زبان عربی میسر نیست. خلأ وجود منبعی به زبان ساده و روان و نیز بهره‌مند از جذابیت‌های کتاب‌های عمومی معاصر، مؤلفان را بر آن داشت تا مجموعه حاضر را با چنین رویکردی و براساس گنجینه عظیم فقه شیعه و براساس کتاب شریف «تحریر الوسیله» امام خمینی (ره) تدارک بینند. در این مجموعه، تلاش شده است که اصطلاحات مختلف فقهی به خوبی توضیح داده شوند و مطالب به صورت بسیار ساده و قابل فهم و همراه با مثال‌های متعدد بیان گردند. همچنین، به تناسب بحث‌ها از آیات قرآن کریم و روایات معصومین - علیهم‌السلام - نیز استفاده شده است تا کلام نورانی خداوند کریم و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام راهنمای قلوب مؤمنین باشد. یکی دیگر از ویژگی‌های این کتاب، استفاده از داستان‌های کوتاه، حکایت‌هایی از زندگی معصومین - علیهم‌السلام - و علمای دینی، اشعار زیبای پارسی، مطالب تاریخی و... مرتبط با بحث است که بر جذابیت مطالب این کتاب می‌افزاید و مانع خستگی خواننده آن می‌شود. مطالعه این اثر به همه افراد جامعه، به ویژه صاحبان مشاغل مختلف توصیه می‌گردد.

در پایان، از همه کسانی برای تولید این کتاب تلاش کرده‌اند، به‌ویژه جناب آقای دکتر کاشانی مسئول مؤسسه نهج القرآن و جناب آقای کاظم طلایی، مدیر محترم نشر طلایی، تشکر و قدردانی می‌کنیم.





## فصل اول

# مالکیت

در این فصل، ابتدا به بیان چیستی مالکیت می‌پردازیم. سپس در مورد مالکیت حقیقی و اعتباری و منشأ مالکیت اعتباری توضیحاتی می‌دهیم. در ادامه، به شرح مالکیت حقیقی خداوند و نظام مالکیت مختلط و نیز مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی می‌پردازیم.

## چیستی مالکیت

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ

(آل عمران: ۲۶)

بگو: بار خدا! تویی دارنده ملک، به هر که خواهی ملک می دهی و از هر که نخواهی ملک می ستانی.

زمانی که می خواهیم به رابطه میان مالک و ملک بپردازیم و امکان تصرف مالک در ملک را نشان دهیم، موضوع مالکیت مطرح می شود. مالکیت به معنای حق و مسئولیت استفاده و بهره برداری از منابع، امکانات و داشته ها در مقابل دیگران است.

گاهی این رابطه، حقیقی و واقعی است. یعنی مالک، بر ملک سلطه واقعی و حقیقی دارد؛ مانند مالکیت خداوند بر مخلوقات یا مالکیت انسان بر افعال و اعضای خویش. گاهی نیز این رابطه، اعتباری و قراردادی است؛ یعنی رابطه ای میان مالک و ملک در نظر گرفته می شود که به موجب آن، مالک می تواند بدون رضایت دیگران در آن ملک تصرف کند ولی دیگران بدون رضایت مالک، حق تصرف در آن ملک را ندارند. تفاوت مالکیت حقیقی و اعتباری این است که در مالکیت حقیقی، ملک هیچ گاه از مالکش جدا و مستقل نمی شود ولی در مالکیت اعتباری، امکان انتقال ملک از مالکی به مالک دیگر وجود دارد.<sup>۱</sup>

## منشأ مالکیت اعتباری

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَإِ

(آل عمران: ۱۴)

دوست داشتن خواستنی ها از زنان و اولاد و اموال فراوان از زر و سیم و اسبان نشان دار و دام ها و کشتزاران در چشم مردم آراسته شده ولی این ها متاع زودگذر زندگی دنیاست و سرانجام نیکو [و زندگی عالی تر] نزد خداست.

سه منشأ برای مالکیت اعتباری وجود دارد:

الف) عامل فطری: میل فطری هر انسانی این است که اشیای حاصل از کار او

یا جمع‌آوری شده توسط او، از آن وی بوده و به خودش اختصاص داشته باشد. (ب) عامل عقلی: عقل چنین حکم می‌کند که اگر کسی زحمت کشید و چیزی را تولید کرد و محصول او را شخص دیگری که کاری انجام نداده، تصاحب کند؛ این فرد، عملی قبیح و خلاف عدل انجام داده است.

(ج) عامل اجتماعی: انسان موجودی اجتماعی است و این نکته در همهٔ امور، نظمی را اقتضا می‌کند تا هرج و مرج رخ ندهد. یکی از مهم‌ترین این امور، بهره‌گیری از اموال و ثروت‌ها است. مالکیت، شیوه‌ای برای تنظیم روابط افراد جامعه در این زمینه است.<sup>۱</sup> انسان‌ها در تعاملات خود براساس حقوق مالکیت، متعهد می‌گردند که اگر هزینه‌ای ایجاد کردند، آن را بپردازند و اگر منفعتی ایجاد نمودند، بتوانند آن را مطالبه و کسب کنند. مالکیت از جملهٔ مهم‌ترین عوامل انگیزه بخش در اقتصاد است؛ چراکه تضمین می‌کند فرد و جمع در صورت تحمل هزینه‌ها، مالک منافع تصمیمات اقتصادی خود نیز هستند. از این جهت، مالکیت انگیزه کار و فعالیت اقتصادی و تحمل دشواری‌های مربوط به آن را تقویت می‌کند؛ زیرا افراد می‌دانند که حاصل کار و ثمرهٔ فعالیت آن‌ها با حقوق مالکیت محافظت می‌شود و بعداً می‌توانند از مواهب آن بهره‌مند گردند.

## مالکیت حقیقی خداوند

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ \* لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا  
بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

(زمر: ۶۲-۶۳)

و خداوند آفریننده [بلا واسطه و با واسطه] همهٔ اشیا است، و او متکفل تدبیر همه چیز است \* گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین و کلیدهای آن‌ها از آن اوست، و کسانی که به آیات خدا کفر ورزیده‌اند، آن‌ها هستند که زیانکارند.

خداوند بر تمام جهان هستی سلطنت واقعی دارد و این، همان معنای مالکیت حقیقی اوست. از آنجا که خداوند خالق و رب همهٔ اشیاست، مالک آنان نیز به شمار می‌رود؛ به همین سبب، این مالکیت مطلق است و همهٔ تصرفات را شامل می‌شود.

## مالکیت مختلط

اقتصاددانان مسلمان در تعیین ساختار مالکیت با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، از ابتدا مالکیت مختلط را مطرح کرده‌اند؛ البته آنان هنگام تبیین مالکیت مختلط

به دو گروه تقسیم شده‌اند؛ برخی در ترسیم آن، فقط از دو عنصر یعنی «مالکیت عمومی» و «مالکیت خصوصی» یاد کرده‌اند اما بسیاری، عنصر «مالکیت دولتی» را هم مطرح ساخته‌اند. این سه عنصر مالکیت از سوی پروردگار تشریح شده‌اند و هر سه در عرض یکدیگر اصالت دارند.<sup>۱</sup> در ادامه، با توجه به دقیق‌تر بودن دیدگاه دوم به توضیح سه عنصر آن می‌پردازیم.

## مالکیت خصوصی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

(نساء: ۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال خود را میان خودتان به ناروا مخورید؛ مگر آنکه داد و ستدی با رضایت یکدیگر باشد، و یکدیگر را مکشید؛ همانا خدا با شما مهربان است.

مالکیت خصوصی می‌تواند به صورت ابتدایی برای فرد یا افرادی به وجود آید یا به طریقی به آن‌ها منتقل گردد. مالکیت ابتدایی به سبب کار یا به واسطهٔ حیات (برداشت از خزانهٔ طبیعت) برای انسان به وجود می‌آید.

مالکیت خصوصی از طریق انتقال مالکیت، اغلب از راه مبادله و دادوستد کالاها و خدمات با یکدیگر صورت می‌گیرد؛ به این ترتیب که هر کس کالاها و خدمات مازاد بر نیاز خود را با تولیدات دیگران مبادله می‌کند و مالک آن‌ها می‌شود. برای مثال، کشاورزی که با فروش محصولات کشاورزی خود و خرید یک تراکتور مالک آن می‌شود، مالک خصوصی تراکتور می‌گردد. انتقال مالکیت همچنین می‌تواند از طریق بخشش‌ها، پاداش‌ها و جوایز باشد یا اینکه از راه ارث و با سازوکار مشخص شده در شرع، به وارثین صورت گیرد.

از دیدگاه قرآن، مالکیت خصوصی در طول مالکیت خداوند قرار دارد. لذا خداوند می‌تواند محدودیت‌هایی برای این مالکیت وضع کند و حتی در برخی موارد، آن را سلب نماید.

محدودیت‌هایی که قرآن دربارهٔ مالکیت خصوصی مطرح کرده است عبارت‌اند از:

محدودیت‌های مربوط به مالک و اینکه مالک باید دارای شرایطی باشد؛ مانند اینکه سفیه حق تصرف در اموال را ندارد.<sup>۲</sup>

۱ (هادوی‌نیا، ۱۳۸۲، ۲۵)

۲ سورهٔ نساء، آیهٔ ۵



محدودیت‌های مربوط به ملک و اینکه چه چیزهایی قابل تملک نیستند؛ مثلاً کالاهایی مانند شراب، قابل تملک نیستند.<sup>۱</sup>

محدودیت‌های مربوط به اسباب مالکیت؛ مثلاً مالکیت حاصل از قمار، مردود است.<sup>۲</sup>

محدودیت‌های مربوط به حق تصرفات مالک در ملک؛ مثلاً حرمت اسراف و تبذیر.<sup>۳</sup>

محدودیت‌های مربوط به واجبات مالی که فرد باید به پرداخت آن‌ها اقدام کند؛ مثلاً وجوب پرداخت زکات.<sup>۴</sup>

البته باید توجه داشت که اموال کاملاً خصوصی انسان‌ها نیز همگی ابعادی عمومی دارند؛ به عبارت دیگر، این اموال باید در جهت خیر و صلاح عموم اجتماع مورد بهره‌برداری قرار گیرند؛ زیرا آنچه به مالکیت خصوصی درمی‌آید، از یک سو با بهره‌گیری از نعمت‌های الهی و از سوی دیگر در تعامل با سایر انسان‌ها به‌وجود آمده است که هر دو، صرفه‌هایی خارجی هستند. از این جهت، کالایی را نمی‌توان یافت که بدون وجود این صرفه‌های خارجی و صرفاً خالص کار و فعالیت شخص باشد. این صرفه‌های خارجی (الهی و انسانی) معمولاً در محاسبات هزینه‌ای و قیمت وارد نمی‌شوند. «بنابراین، کسانی که پول و امکانات دارند، فقط نباید به فکر خودشان باشند؛ چون پول آن‌ها هم از همین کشور و در سایه همین ملت به دست آمده است. چه کسی می‌تواند بگوید من پول دارم و در پول‌دار شدن خودم، مرهون خدمات و کمک‌های دولت و ملت نیستم؟ مگر چنین چیزی می‌شود؟ از آسمان که برای انسان پول نمی‌ریزند! پول در همین زندگی و تلاش روزمره به دست می‌آید هزاران نفر کار می‌کنند؛ یک نفر،... پولدار می‌شود».<sup>۵</sup>

ماهیت ذاتاً عمومی مالکیت‌های خصوصی سبب آن می‌شود که افراد در مقابل نوع بهره‌برداری از اموال خود در مقابل خویشتن و دیگران مسئولیت داشته باشند. این مسئولیت اولاً عبارت است از وظیفه حفظ و صیانت از اموال خود و تلاش برای رشد و نمو آن و ثانیاً ملاحظه مصلحت اجتماعی در هر نوع بهره‌برداری از

۱ سورة مائده، آیه ۸۸

۲ سورة مائده، آیه ۸۸

۳ سورة انعام، آیه ۱۴۲

۴ سورة بقره، آیه ۴۳

۵ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم» به تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۵

آن<sup>۱</sup> و ثالثاً ادای واجبات و مستحبات مالی و کمک به محرومان و مستضعفان.<sup>۲</sup> در صورتی که افراد به مسئولیت‌های خویش بی‌توجه باشند و مالکیت خصوصی شان سبب آزار و اذیت دیگران شود، حاکم حتی می‌تواند مالکیت آن‌ها را سلب کند.

او می‌شوی و قهراً خانواده او را در حالی می‌بینی که او دوست ندارد. بعد از این اجازه بگیر و بدون اطلاع و اجازه داخل نشو.» سمره تمکین نکرد. حضرت فرمود: «پس درخت را بفروش»، سمره حاضر نشد. رسول اکرم قیمت را بالا برد؛ باز هم حاضر نشد. بالاتر برد، باز هم حاضر نشد. فرمود: «اگر این کار را بکنی، در بهشت برای تو درختی خواهد بود.» باز هم تسلیم نشد. پاهای او را به یک کفش کرده بود که نه از درخت خودم صرف‌نظر می‌کنم و نه حاضرم هنگام ورود به خانه از صاحب‌خانه اجازه بگیرم. در این وقت رسول اکرم فرمود: «تو مردی زبان‌رسان و سخت‌گیری و در دین اسلام زبان‌رساندن و تنگ‌گرفتن وجود ندارد.» بعد رو کرد به مرد انصاری و فرمود: «برو درخت خرما را از زمین در آور و ببند از جلو سمره.» (مطهری، داستان راستان، درخت خرما)

سمره بن جندب، یک اصله درخت خرما در باغ یکی از نصاری داشت. خانه مسکونی مرد انصاری که زن و بچه‌اش در آنجا به سر می‌بردند، همان دم در باغ بود. سمره گاهی می‌آمد و از نخل خود خبر می‌گرفت یا از آن خرما می‌چید. او هر وقت که می‌خواست برود از درخت خود خبر بگیرد، بی‌اعتنا و سرزده داخل خانه می‌شد و چشم‌چرانی می‌کرد. صاحب‌خانه از او خواهش کرد که هر وقت می‌خواهد داخل شود سرزده وارد نشود. او قبول نکرد. ناچار صاحب‌خانه به رسول اکرم شکایت کرد و گفت: «این مرد سرزده داخل خانه من می‌شود. شما به او بگویید بدون اطلاع و سرزده وارد نشود تا خانواده من قبلاً مطلع باشند و خود را از چشم‌چرانی او حفظ کنند.» رسول اکرم سمره را خواست و به او فرمود: «فلانی از تو شکایت دارد و می‌گوید تو بدون اطلاع وارد خانه

## مالکیت عمومی

شامل اموالی است که هیچ فرد خاصی مالک آن‌ها نیست تا بتواند به‌نحو دل‌خواه

۱ کسانی که پول و امکان دارند، این پول را فقط برای خودشان مصرف نکنند. شما اگر می‌خواهی در جایی سرمایه‌گذاری کنی و به کاری بپردازی، فقط به فکر این نباش که چقدر به من سود می‌رساند. ما نمی‌گوییم هیچ ملاحظه شخص خودتان را نکنید. در کاری که تولید آن، مملکت را به پیش نمی‌برد سرمایه‌گذاری نکنید. کسانی که پول و امکانات دارند، وجدان دینی و احساس مسئولیت داشته باشند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم»، به تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۵)

۲ ثروتمند شدن از راه قانونی و مشروع، از نظر اسلام هیچ اشکالی ندارد. ما هیچ وقت نگفتیم که اگر کسی فعالیت قانونی و مشروع بکند و ثروتی به دست بیاورد، از نظر شرع نامطلوب است. هیچ‌کس این را نگفته و نمی‌گوید؛ افرادی که دین را می‌شناسند و قرآن را می‌شناسند. دو چیز را با هم نباید مخلوط کرد؛ یکی، تولید ثروت است. کسی فعالیت کند به شکل صحیحی و ثروت تولید کند. یکی، نحوه تولید و نحوه استفاده است. بخش اول قضیه، چیز مطلوبی است؛ چون هر ثروتی که در جامعه تولید می‌شود، به معنای ثروتمند شدن مجموع جامعه است. بخش دوم که بخش حساس است، این است که چگونگی تولید مورد توجه قرار بگیرد؛ از راه‌های غیر قانونی، با استفاده از تقلبات و تخلفات نباشد، مصرف او، مصرف نامطلوبی از نظر شرع نباشد؛ بتواند مثل خونی در رگ‌های جامعه جریان پیدا کند؛ صرف در فساد نباشد... به هر حال، تولید ثروت چیز خوبی است. اگر چنانچه در این تولید ثروت، قصد صرف او برای کار خیر، برای پیشرفت کشور، برای کمک به محرومان باشد، حسنه هم هست، ثواب هم دارد. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

در آن‌ها تصرف کند بلکه ملک همهٔ مسلمانان است؛ خواه آنان که در قید حیات‌اند و خواه آنان که هنوز به دنیا نیامده‌اند. در مالکیت عمومی، اجازهٔ تصرف و بهره‌برداری عموم مردم (اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان که تابعیت دولت اسلامی را دارند) در ثروت‌های عمومی با نظارت مستقیم دولت است. به همین سبب، تحت نظارت ولی امر مسلمانان قرار می‌گیرد تا به گونه‌ای مناسب به افراد واگذار، و درآمد حاصل از آن‌ها به صورت ملک عموم مسلمانان در راه‌هایی صرف شود که نفع آن عاید عموم مسلمانان شود. این نوع مالکیت، موجب احترام به مصالح آیندگان است؛ زیرا اگر ملکی جزء اموال عمومی باشد، دغدغهٔ اینکه مسلمانان آینده نیز در آن سهیم‌اند، مالک را به استفاده از ملک به اندازهٔ رفع نیاز و مواظبت و نگهداری از آن برای آیندگان ملزم می‌کند.

### مالکیت دولتی

مقصود از «مالکیت دولتی»، «مالکیت حکومت اسلامی» یا «مالکیت امام» است. این نوع مالکیت، مالکیت منصب امامت و رهبری امت اسلامی است، نه مالکیت شخص امام، و از امامی به امام دیگر منتقل می‌شود، نه به وارثان او. این حق تصرف به دولت اجازه می‌دهد با توجه به اینکه خدمتگزار مردم در ادارهٔ جامعه است، برای جهت گسترش عدالت و توزیع برابر درآمد و ثروت و نیز رشد و توسعهٔ اقتصادی اقدام کند. حکومتی که اموالی را به‌طور مستقل در اختیار ندارد و برای تأمین نیازهای مادی خود همواره به دیگران نیازمند است، آزادی عمل نخواهد داشت.

مالکیت دولتی بخشی از مالکیت عمومی بر اموالی است که دولت برای مصالح عمومی و منافع ملی ایجاد کرده است و فقط خود حق تصرف در آن‌ها دارد؛ کالاهایی مانند پادگان‌ها و استحکامات نظامی، هواپیماها و کشتی‌های جنگی، لوازم اداری و ساختمان‌های دولتی، موزه‌ها و آثار تاریخی. کالاهایی که برای اجتماع مسلمین حساسیت نظامی، اطلاعاتی و... دارند باید توسط دولت تولید شده و در نتیجه مالکیت آن‌ها بر عهدهٔ دولت است. همچنین تولید کالاهایی که در تأمین نیازهای اساسی مردم نقش اساسی دارند، باید توسط دولت مدیریت و کنترل شود و چنانچه سازوکار خصوصی در تأمین آن‌ها کوتاهی نمود، دولت زمینهٔ تأمین آن‌ها را فراهم سازد.

اموالی که برای آن‌ها مالکی شناخته نشده است، مثل کوه‌ها، جنگل‌ها و بستر رودخانه‌های متروک و آبادی‌هایی که اهلس نابود شده‌اند و اموال کسی که وارثی

ندارد، زمین‌های موات، مالیات‌ها و درآمدهای ناشی از اموال و مؤسسه‌های دولتی و مانند این موارد، جزء انفال است و مالکیت آن، دولتی است. همچنین، مالکیت غنایمی که بدون جنگ و تلاش مسلمانان به دست آید، دولتی است و رئیس حکومت اسلامی، هرگونه صلاح بدانند آن‌ها را تقسیم می‌کند.

در مالکیت دولتی، دولت حق تصرف در اموال را دارد و مالک است ولی در مالکیت عمومی، مردم مالک‌اند و دولت از سوی آن‌ها نیابت دارد که با توجه به مصلحت عمومی در اموال تصرف کند. یکی دیگر از تفاوت‌های این دو مالکیت آن است که در مالکیت عمومی، درآمد حاصل از ثروت‌ها باید به وسیله دولت یا ولی امر، به مصارف جمعی مانند ساختمان بیمارستان، راه، پل و... برسد و غیر از موارد استثنایی - که توازن جامعه ایجاب می‌کند - نمی‌توان از آن‌ها برای رفع نیازهای گروه خاصی از مردم اجتماع استفاده کرد یا آن را با عنوان کمک نقدی در دسترس عده‌ای قرار داد. این در حالی است که ثروت دولتی، علاوه بر آنکه می‌تواند به مصارف عمومی برسد، برای کمک به گروه‌های اجتماعی نیز قابل مصرف است.<sup>۱</sup>



---

## فصل دوم

---

# بیع

---

در این فصل به مسائل مختلف مربوط به بیع خواهیم پرداخت. با توجه به گسترده بودن مباحث بیع، آن را در نه گفتار بیان خواهیم کرد. در گفتار اول، به چیستی بیع و مسائل کلی آن خواهیم پرداخت. در گفتار دوم، شرایط خریدار و فروشنده (متعاقدين) را بیان خواهیم کرد. در گفتار سوم، توضیح می‌دهیم که چه نوع کالاهایی را نمی‌توان خرید و فروخت. در گفتار چهارم، به بیان انواع خرید و فروش‌های حرام می‌پردازیم. در گفتار پنجم، برخی از مهم‌ترین آداب (مستحبات و مکروهات) خرید و فروش را بیان می‌نماییم. در گفتار ششم، به بیع صرف (خرید و فروش طلا، نقره و پول) می‌پردازیم و برخی از مسائل مهم آن را بیان می‌کنیم. در گفتار هفتم، به توضیح بیع سلف و مسائل مهم آن می‌پردازیم. در گفتار هشتم، خرید و فروش نقد و نسیه و مسائل آن را توضیح می‌دهیم و در پایان این فصل، در گفتار نهم، به توضیح شرایط تحقق ربا در خرید و فروش (ربای معاملی) می‌پردازیم.

---

## گفتار اول: چستی بیع و مسائل کلی آن

رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

(نور: ۳۷)

مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش، آن‌ها را از یاد خدا و نماز خواندن و زکات دادن، غافل نمی‌کند و از روزی که در آن دیده‌ها و دل‌ها زیر و رو می‌شود، بیمناک هستند.

ابوبصیر از امام محمد - باقر علیه‌السلام - نقل می‌کند که حضرت فرمود: در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مؤمنی از اهل صفه، سخت فقیر و نیازمند بود. وی تمام نمازها را پشت سر پیامبر می‌خواند و هیچ‌گاه نماز جماعتش او ترک نمی‌شد. پیامبر نیز بر او ترحم می‌کرد و به نیازمندی و غریبی او توجه داشت و می‌فرمود: «ای سعد، اگر چیزی به دستم برسد، تو را بی‌نیاز می‌سازم.» مدتی گذشت و چیزی به دست پیغمبر نیامد. حضرت به حال سعد بیشتر اندوهگین شد. خداوند سبحان به اندوه پیامبر نسبت به سعد توجه فرمود و جبرئیل را با دو درهم خدمت ایشان فرستاد. جبرئیل به حضرت عرض کرد: «ای محمد! خدا از اندوه تو برای سعد آگاه است. آیا دوست داری او را بی‌نیاز سازی؟» پیامبر فرمودند: «آری.» جبرئیل عرض کرد: «این دو درهم را به او مرحمت کن و دستور بده با آن تجارت کند.» پیامبر دو درهم را گرفت. وقتی که برای نماز ظهر از منزل خارج شد، سعد را دید که در خانه ایستاده و منتظر آن حضرت است. فرمود: «ای سعد، آیا می‌توانی به خوبی تجارت و خرید و فروش کنی؟» سعد عرض کرد: «سرمایه‌ای ندارم که با آن تجارت و خرید و فروش کنم.» پیامبر دو درهم را به او داد و فرمود: «با آن تجارت و خرید و فروش کن و روزی خدا را به دست آور.» سعد دو درهم را گرفت و در خدمت پیامبر به مسجد رفت و نماز ظهر و عصر را به همراه ایشان خواند. آن‌گاه حضرت فرمود: «برخیز و به دنبال روزی خویش برو! همواره به حال تو غمگین بودم.» سعد مشغول خرید و فروش شد. خداوند برکتی به او داد. هر چه می‌خرید، به دو برابر می‌فروخت. دنیا به سعد روی آورد. کم‌کم سرمایه‌اش افزایش یافت و مالش فراوان شد و کسب و کارش رونق گرفت. به طوری که کنار در مسجد دکانی گرفت و سرمایه و کالاهای خود را در آنجا جمع کرد. از آن پس، پیامبر می‌دید که سعد حتی پس از آنکه بلال اذان می‌گوید سرگرم خرید و فروش است و خود را برای نماز مهیا نمی‌کند؛ در حالی که قبل از آن، پیش از اذان مهربی نماز می‌شد. پس پیامبر به او می‌فرمود: «ای سعد، دنیا تو را از نماز باز داشته است.» سعد نیز می‌گفت: «چه کنم؟ سرمایه‌ام را تلف کنم؟ به این مرد، جنسی فروخته‌ام و

می‌خواهم پولم را از او بگیرم و از آن دیگری کالایی خریده‌ام؛ باید پول او را بدهم.» رسول خدا به آن حال سعد، بیشتر از فقرش غمگین شد. پس جبرئیل به محضر آن جناب رسید و عرض کرد: «ای پیامبر، خداوند از غم تو برای سعد آگاه است. کدام یک را بیشتر دوست داری؟ حالت اول یا حالت فعلی او را؟» پیامبر فرمود: «ای جبرئیل، حالت اول (تنگ‌دستی) او را دوست دارم. زیرا دنیا، آخرت او را از دستش گرفته است.» جبرئیل عرض کرد: «به راستی محبت و اموال دنیا امتحان بوده و بازدارنده از آخرت است.» آنگاه عرض کرد: «یا رسول‌الله، به سعد بگو آن دو درهمی را که به او داده‌ای؛ به شما بازگرداند؛ وضعش به حالت اول برمی‌گردد.» پیامبر به سعد فرمود: «آیا آن دو درهم را به من باز می‌گردانی؟» عرض کرد: «به جای دو درهم، دویست درهم می‌دهم.» حضرت فرمود: «نه، همان دو درهم را می‌خواهم.» سعد آن دو درهم را به حضرت داد. به دنبال آن چیزی نگذشت که دنیا از وی روی گرداند و هر چه داشت از دستش رفت. سعد دوباره به حال فقر و نداری افتاد.<sup>۱</sup>

بیع به معنای خرید و فروش است و مهم‌ترین بخش از معاملات اقتصادی ما را با یکدیگر تشکیل می‌دهد. در واقع، بیع قراردادی است که طی آن، خریدار، مالک کالای مورد معامله می‌شود. فروشنده نیز مالک چیزی می‌شود که خریدار در عوض کالایی که خریده است به او می‌دهد. برای مثال، اگر احمد کتابی را به محمود بفروشد و در عوض، ۲۰ هزار تومان پول از او دریافت کند، محمود مالک کتاب و احمد مالک ۲۰ هزار تومان می‌شود. در فقه، مسائل مختلفی در مورد بیع مطرح شده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

### مسائل کلی بیع

#### مسئله اول: بیع، عقد است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ

(نساء: ۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل نخورید؛ مگر آنکه تجارت و خرید و فروشی با رضایت شما باشد.